

بازتاب پدیده بیگانه‌هراسی در نمایشنامه تاجر ونیزی و ویلیام شکسپیر*

جلیل خلیل آذر^۱، فاطمه مَهتدی^۲، رحمت امینی^۳

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر ادیان و تمدن‌ها، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
 ۲. کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
 ۳. استادیار دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۱/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۰/۰۶

چکیده

بیگانه‌هراسی پدیده‌ای اجتماعی است و ریشه در ترس و تنفر از افراد خارجی با قومیت‌های گوناگون دارد. بازتاب این پدیده را در پنج نمایشنامه از شکسپیر از جمله *تاجر ونیزی*، *آتللو*، *توفان*، *تیتوس آندرنیکوس* و *آنتونیوس و کلئوپاترا* می‌توان ردیابی کرد. در این میان، *تاجر ونیزی* در پرداختن به شخصیت‌ها و گروه‌های بیگانه (شایلاک یهودی، جسیکا و...) از اهمیت بیشتری برخوردار است. از این رو، پژوهش حاضر در پی شناسایی و ترکیب‌شناسی مفهوم بیگانه‌هراسی در *تاجر ونیزی* و تبیین ریشه‌های اجتماعی آن با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناختی است. روش تحقیق مبتنی بر رویکرد تاریخی، تحلیلی - تطبیقی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و تصویری است. مقاله پیش رو، ضمن بیان کلیات پژوهش، به تحلیل ریشه‌های شکل‌گیری بیگانه‌هراسی در دوران الیزابت اول و بازتاب آن در *تاجر ونیزی* پرداخته است. با تحلیل دیالوگ‌ها و رویدادهای این نمایشنامه، این واقعیت عیان شد که اقتصاد و مذهب یهودیت بارزترین عناصر تضاد گروهی و به وجودآورنده بیگانه‌هراسی در میان شخصیت‌های نمایشی است. علاوه بر این، یافته‌ها بیانگر آن است که شخصیت‌های *تاجر ونیزی*، نسبت به چهار نمایشنامه دیگر، قابلیت طبقه‌بندی بیشتری با تعاریف گروه خودی و غیرخودی و نظریه تهدید یکپارچه دارد. هدف شکسپیر از بازتاب این پدیده، انتقاد از رفتارهای نژادپرستانه و تعصب‌گرایانه بود. در واقع، وی خواستار برابری و عدالت در جامعه الیزابتی بود.

واژه‌های کلیدی

پدیده بیگانه‌هراسی، *تاجر ونیزی* شکسپیر، شایلاک یهودی، گروه خودی - غیر خودی، نظریه تهدید یکپارچه.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نگارنده دوم تحت عنوان «بیگانه‌هراسی در ادبیات نمایشی با بررسی سه اثر *آتللو*، *توفان* و *تاجر ونیزی* از ویلیام شکسپیر» است که به راهنمایی نگارندگان اول و سوم در بهمن ۱۳۹۲ در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری، از آن دفاع شد.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۷۰۴۳۰۷۲، شماره: ۰۲۱-۶۶۸۷۰۷۸۰، E-mail: Directorhka@gmail.com

مقدمه

بر همین اساس، در میان نمایشنامه‌های شکسپیر، پنج نمایشنامه تاجر ونیزی^۴، آتللو، توفان^۵، تیتوس آندرنیکوس^۶ و آنتونیوس و کلئوپاترا^۷ بیگانه‌هراسی و نژادپرستی علیه اقوام خارجی را منعکس کرده است. وجه مشترک تمام کاراکترهای اصلی در این نمایشنامه‌ها، خارجی بودن و داشتن قومیتی متفاوت با اروپاییان است، اما نمایشنامه تاجر ونیزی از اهمیت بیشتری برخوردار است و به‌طور بارزتری، عوامل شکل‌دهنده و متجلی‌کننده این پدیده را نمایان می‌کند.

در نمایشنامه تاجر ونیزی، موضوعاتی چون دین، فرصت‌های اقتصادی و قومیت، شکل‌دهنده بیگانه‌هراسی است، به‌طوری که شخصیت‌های مختلف در دیالوگ‌های خود، شایلاک یهودی را تهدیدی علیه الگوهای رایج در سیستم تجاری و سود سرمایه، همچنین تهدیدی برای امنیت جانی «آنتونیو» می‌دانند و او را فردی بی‌رحم تلقی می‌کنند که از هر گونه بخششی امتناع می‌کند. «جسیکا»، دختر تازه مسیحی‌شده شایلاک، نیز با این رفتار بیگانه‌هراسانه روبه‌روست و جامعه با دید مشابهی به او نمی‌نگرد. دیگر شخصیت‌های نمایشنامه نیز، که قومیت‌های متفاوتی دارند، بیانگر تصاویری از افرادی بیگانه‌اند که نظم جامعه را تحت‌شعاع قرار می‌دهند. همچنین، ساکنان ونیز و بلونت به شایلاک و دیگر شخصیت‌های خارجی به دید تهدیدی علیه الگوها و ارزش‌های خود می‌نگرند که این امر، با توجه به عواملی چون بحران‌های اقتصادی و سیاسی و افزایش مهاجرت در دوران شکسپیر، بیانگر نوعی بیگانه‌هراسی است. رویکرد روانی این پدیده اجتماعی براساس نظریه‌های جامعه‌شناسی نیز اثبات‌شده است.

با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته در کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های داخلی و خارجی، می‌توان ادعا کرد به مسئله بیگانه‌هراسی در نمایشنامه‌های شکسپیر اشاره‌ای مستقل نشده است. بیشترین موضوعات یافت‌شده در این منابع عبارت است از تعصب، استعمار و تبعیض نژادی، تاریخچه مهاجرت‌ها و روابط سیاسی-اقتصادی اقوام و نژادهای مختلف در دوران شکسپیر. برخی از این منابع نیز عبارت است از شکسپیر در هند و آفریقای جنوبی: استعمارگر در برابر استعمارشده (رفیعی، ۱۳۹۰)؛ تأثیر متقابل درام و تاریخ در دوران الیزابت با توجه به نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر (بنیادی، ۱۳۸۲)؛ شکسپیر و سیاست (مرادی، ۱۳۸۶)؛ اسلام و سیاست در ادبیات نمایشی دوران الیزابت (اسدی امجد و همکاران، ۱۳۹۰).

واژه «بیگانه‌هراسی» ریشه در زبان یونانی دارد و برگرفته از دو کلمه Xenos به معنای «بیگانه» و Phobos به معنای «ترس» است. بنابراین Xenophobia به معنای «ترس از بیگانگان» است؛ ولی این اصطلاح در اذهان عمومی به مفهوم «تنفر از بیگانگان» جای گرفته است (Smelser and Baltes, 2001: 27-28). همچنین، «بیگانه‌هراسی رفتاری خشونت‌آمیز علیه مردم غیربومی درون جامعه تعریف می‌شود» (Boehnke, 2001: 45).

ویلیام شکسپیر، در کنار رویدادهای سیاسی، با رویدادهای گوناگونی از جمله آغاز روابط تجاری انگلستان با کشورهای مسلمان، کشف سرزمین‌های جدید در قاره آمریکا و مهاجرت اقوام گوناگون روبه‌رو بود. افراد خارجی از قومیت‌های متفاوت، که در زمان شکسپیر از سرزمین‌های گوناگون وارد لندن می‌شدند، با واکنش‌های متفاوت مردم و ملکه الیزابت مواجه می‌شدند که این امر در نمایشنامه‌های شکسپیر منعکس شده است (Sokol, 2010: 30-35). این واکنش‌ها برگرفته از پیش‌فرض‌های منفی نسبت به نژادهای مختلف، پیشینه تاریخی یا از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی بود و اعتراضاتی را نسبت به مهاجران خارجی به‌همراه داشت که از دید این نویسنده انگلیسی دورنماند.

خلق شخصیت‌هایی چون «شایلاک»، «آتللو»، «کالیبان»^۸، «کلئوپاترا» و «آرون» حس ترس از بیگانه را منعکس می‌کرد که در اذهان مردم بریتانیا وجود داشت. اگرچه واژه بیگانه‌هراسی در تئاتر دوران رنسانس انگلستان به اهمیت امروزی آن نیست، این پدیده در نمایشنامه‌های شکسپیر وجود داشته و حتی به وجود این پدیده در قرن هفدهم میلادی در انگلستان اشاره شده است (Kermode, 2009; Griffin, 2009).

بیگانه‌هراسی ریشه در تعصب قومی، ملی، دینی و نژادپرستانه داشته است و می‌توان آن را این‌طور تعریف کرد: «رفتارهای بازدارنده، تعصبات، حذف دیگری و بدنام کردن افراد براساس پیش‌داوری‌ای که انسان‌ها نسبت به جامعه یا هویت ملی فرد بیگانه یا خارجی دارند» (Boehnke, 2001: 63). بیگانه‌هراسی و نژادپرستی، با اینکه اغلب اوقات با یکدیگر تداخل معنا دارد، دو پدیده متفاوت است. نژادپرستی معمولاً براساس تفاوت مشخصه‌های فیزیکی همچون رنگ پوست و ویژگی‌های چهره طبقه‌بندی می‌شود، اما بیگانه‌هراسی رفتار متکی بر تفکری است که در آن «دیگری»^۹ فردی متفاوت با جامعه و برخاسته از کشوری خارجی تلقی می‌شود.

- پژوهش حاضر، ضمن پرداختن به چارچوب نظری، با بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، تحلیلی-تطبیقی و استناد به منابع کتابخانه‌ای و تصاویر، تحت دو عنوان اصلی زیر به بررسی موضوع می‌پردازد:
- شکسپیر و پدیده بیگانه‌هراسی؛ در این بخش، ریشه‌های شکل‌گیری بیگانه‌هراسی در دوران شکسپیر و بازتاب آن در نمایشنامه‌های وی با رویکردی جامعه‌شناختی شناسایی و تبیین می‌شود.
- تاجر ونیزی و پدیده بیگانه‌هراسی؛ تحت این عنوان، ابتدا نمایشنامه را مرور و سپس رابطه شخصیت‌های تاجر ونیزی، به‌ویژه شایلاک، را با بیگانه‌هراسی تبیین می‌کنیم. در پایان، این نمایشنامه را با نظریه تهدید یکپارچه تطابق می‌دهیم.

از این رو، این مقاله درصدد است با تحلیل رویدادهای نمایشنامه تاجر ونیزی و انطباق آن‌ها بر «نظریه تهدید یکپارچه»^۸، «گروه خودی»^۹ و «گروه غیر خودی»^{۱۰}، بازتاب پدیده بیگانه‌هراسی را در ادبیات نمایشی شکسپیر واکاوی کند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و ترکیب‌شناسی مفهوم بیگانه‌هراسی در نمایشنامه تاجر ونیزی و تبیین ریشه‌های اجتماعی آن با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناختی است. برای دستیابی به این هدف، پرسش‌های زیر سؤال‌های پژوهش بوده است:

- پدیده بیگانه‌هراسی چیست و چگونه در نمایشنامه تاجر ونیزی شکسپیر منعکس شده است؟
- وجه تمایز پدیده بیگانه‌هراسی در نمایشنامه تاجر ونیزی با سایر نمایشنامه‌های شکسپیر (آتللو، توفان، آنتونیوس و کلئوپاترا و تیتوس آندرنیکوس) در چیست؟

۱. چارچوب نظری

۱.۱. گروه خودی و غیر خودی

«گروه خودی» گروهی از مردمان که در علائق و فعالیت‌های خاصی با یکدیگر سهیم‌اند و به اعضای گروه دیگر اجازه ورود نمی‌دهند و از امنیت گروه خود حفاظت می‌کنند (Webster, 2013). «گروه غیر خودی» گروهی است که از گروه خودی مجزاست و معمولاً مورد خشونت و تنفر قرار می‌گیرد (Ibid); گروهی از افراد که از یک گروه حذف شده‌اند یا به گروه خود متعلق نیستند، به‌خصوص زمانی که به دلیل تفاوت‌ها تحقیر می‌شوند (Heritage, 2012) یا افرادی که از گروه خودی حذف شده‌اند (Collins, 2013).

۲.۱. نظریه تهدید یکپارچه

نظریه تهدید یکپارچه را اولین بار والتر جی استفن و کوکی وایت استفن^{۱۱} در سال ۲۰۰۰ میلادی مطرح کردند. این نظریه بر شرایط و موقعیت‌هایی تأکید می‌کند که به تهدید و ترس در رفتار گروه و شکل‌گیری تعصب منجر می‌شود. این تهدیدها در هر زمان وجود داشته و رفتار و باورهای گروه خودی را به چالش کشیده است. به این ترتیب، افراد، گروه غیر خودی را خطری برای امنیت گروه تلقی می‌کنند. اعضای گروه خودی می‌توانند اقدام به فرافکنی و نشان دادن جلوه‌ای بد از گروه غیر خودی برای بهبود تصویر خود کنند. طبق این نظریه، تهدیدهای زیر منجر به بیگانه‌هراسی می‌شود:

۱. تهدیدهای واقع‌بینانه^{۱۲}

«تهدید واقع‌بینانه شامل تهدیدهای حقیقی چون جنگ و شرایط بد اقتصادی و سیاسی است و به‌نوعی تهدیدی فیزیکی برای حیات اعضای گروه خودی محسوب می‌شود» (Stephan & Stephan, 1996: 48).

۲. تهدیدهای سمبلیک^{۱۳}

«تهدید سمبلیک زمانی رخ می‌دهد که گروه خودی اعتقاد پیدا کند باورها و ارزش‌هایش و به‌نوعی جهان‌بینی‌اش از سوی گروه غیر خودی تهدید می‌شود» (Ibid: 50).

۳. اضطراب میان‌گروهی^{۱۴}

«افراد در تعامل میان‌گروهی احساس تهدید می‌کنند و نگران نتیجه منفی آن برای خودند که این پدیده شامل خجالت کشیدن، مطرود شدن یا تمسخر است» (Ibid: 51).

۴. کلیشه‌های منفی^{۱۵}

«صفات منفی (بی‌رحمی، انتقام‌جویی، حرص و طمع) نسبت‌داده‌شده به گروه غیر خودی که تهدیدی علیه گروه خودی محسوب می‌شود» (Riek et al., 2006: 63).

۲. شکسپیر و پدیده بیگانه‌هراسی

۱.۲. ریشه‌های شکل‌گیری بیگانه‌هراسی در

دوران شکسپیر

پس از شکست اسپانیا از انگلستان در سال ۱۵۸۸ میلادی و قدرت‌گرفتن الیزابت اول در اروپا و تمایل ملکه انگلستان به

بیگانه‌هراسی را برای اروپاییان به‌همراه داشت. از جمله این سیاحان، می‌توان به توماس کوریات^{۲۱} اشاره کرد (تصویر ۱). یهودیان، پس از اخراج از کشورهای اروپایی، به آفریقا، به‌خصوص آسیا مهاجرت کردند، به‌طوری که در یک زمان بیش از ۲۵۰ هزار یهودی در امپراتوری عثمانی زندگی می‌کردند؛ جایی که نه‌تنها به تجاری موفق تبدیل شدند، بلکه به مناصب دولتی نیز دست‌یافتند. آن‌ها رقبای سرسختی برای تجار انگلیسی بودند که قصد تثبیت جایگاه خود را در منطقه داشتند. بسیاری از تجار انگلیسی باور داشتند با عیسوی کردن تجار یهودی (عیسوی کردن شایلاک در پرده چهارم صحنه اول نمایشنامه تاجر ونیزی) به اهداف خود می‌رسند.



تصویر ۱. تعقیب توماس کوریات از یک یهودی چاقوبه‌دست، ۱۶۱۱ میلادی

ماخذ: (Shapiro, 1997: 48)

تفکر بیگانه‌هراسی در دوران شکسپیر از فرایند کلیشه‌های شکل‌گرفته در قرون وسطی و اوایل رنسانس نیز متأثر بوده است. آنیا لومبا به نمونه‌هایی از کلیشه‌های نسبت‌داده‌شده به یهودیان اشاره می‌کند: «یهودیان بینی قلاب‌شکل داشتند و به کشتن کودکان برای انجام تشریفات مذهبی، مسموم کردن مسیحیان، ختنه‌کردن مردان عیسوی و البته بهره‌برداری اقتصادی از مسیحیان از طریق ربا‌متهم می‌شدند. این تعصبات در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به اشکال متفاوتی ظاهر می‌شد» (Loomba, 2002: 144).

برخورد جامعه انگلستان با مهاجران مسلمان براساس گسترش امپراتوری عثمانی و پیشینه تاریخی جنگ‌های صلیبی شکل گرفت که بیانگر اسلام‌هراسی و افزایش نگرانی از این قدرت خارجی بود. بنابراین، مردم انگلیس با بیان روایت‌های اغراق‌آمیز اقدام به سیاه‌نمایی چهره مسلمانان و سیاه‌پوستان کردند. مهاجران مسلمان از دیدگاه افراط‌گرایان انگلیسی افرادی غیرقابل‌اعتماد و دروغگو توصیف می‌شدند. از این‌رو، مسلمانان تهدیدی علیه امنیت آن‌ها به حساب

کشف سرزمین‌های تازه در قاره آمریکا و آغاز ارتباط با امپراتوری عثمانی و کشورهای عربی، نوعی «ناسیونالیسم»^{۱۶} و غرور ملی در بین مردم بریتانیا شکل گرفت (صورتگر، ۱۳۷۳: ۷۰-۵۰). به‌دنبال قدرت‌گرفتن ملکه الیزابت اول، موج مهاجرت اقوام مختلف چون یهودیان، مسلمانان و حتی کولی‌ها به سوی سرزمین بریتانیا افزایش یافت. این افزایش موجب نوعی نگرانی از ضربه‌خوردن از سوی بیگانگان و کاهش قدرت تازه به‌دست‌آمده شد.

با توجه به رویدادهای ثبت‌شده از درگیری‌های خونین و بدرفتاری با مهاجران خارجی، که ناشی از پیش‌داوری‌های نادرست و رقابت اقتصادی بین ساکنان بومی انگلستان و بیگانگان بود (Goose and Luu, 2005)، می‌توان ریشه‌های بیگانه‌هراسی دوران شکسپیر را در این موارد دسته‌بندی کرد:

الف) مهاجرت یهودیان و مسلمانان به انگلستان

اخراج یهودیان و مسلمانان از اسپانیا و ادامه اعمال رفتارهای دوران تفتیش عقاید^{۱۷} در این کشور، که به دنبال بازپس‌گیری گرانادا^{۱۸} از مسلمانان و آغاز جنبش استرداد^{۱۹} شدت گرفته بود، نوعی تلاش برای یکسان‌سازی قومیت‌های مختلف با اکثریت جامعه مسیحیان و آغاز نژادپرستی بود. این موج فکری در بیشتر کشورهای اروپایی، همانند اسپانیا و پرتغال، جریان داشت، ولی در انگلستان، به دلیل قدرت‌گرفتن مذهب پروتستان و تمایل به گسترش سلطه بریتانیا، با مهاجران یهودی، مسلمان و ساکنان شمال آفریقا برخورد بهتری می‌شد. عقاید مردم انگلستان نسبت به اقوام گوناگون با خواندن سفرنامه‌ها و کتاب‌های مختلف، همچنین پیشینه‌های تاریخی-مذهبی شکل گرفته بود. درعین‌حال، این جوامع کوچک مهاجر در انزوا به‌سر می‌بردند و «بیگانه»^{۲۰} تلقی می‌شدند (Shapiro, 1997).

به دنبال شدت گرفتن آشوب‌های سیاسی و تعصبات مذهبی در انگلستان، زندگی این مهاجران تحت‌تأثیر قدرت‌های سلطه‌طلب قرار گرفت و به آن‌ها به‌منزله تهدیدی علیه قدرت حاکم می‌نگریستند. از این‌رو، جامعه مهاجران از حقوق شهروندی محروم شدند. با توجه به تبعیض‌های اعمال‌شده نسبت به مهاجران در انگلستان، ملکه الیزابت اول حکم اخراج یهودیان را در سال ۱۵۹۳ میلادی صادر کرد. به‌موجب این حکم، ورود یهودیان به انگلستان ممنوع اعلام شد و این حکم تا سال ۱۶۵۶ میلادی به قوت خود باقی ماند (Ibid).

تجربه تجارت از یک‌سو و سفرنامه سیاحان انگلیسی از سوی دیگر، نوعی کلیشه‌سازی اغراق‌آمیز از یهودیان و تفهیم

۲.۲. بازتاب پدیده بیگانه‌هراسی در نمایشنامه‌های شکسپیر

دوران حکومت ملکه الیزابت اول، دوران شکوفایی انگلستان و عصر طلایی ادبیات این کشور بوده است. در این عصر، ثناتر به مهم‌ترین وسیله ارتباطی تبدیل شد و تماشاخانه‌ها محلی برای انعکاس تمام رویدادهای رایج در جامعه و احساسات حاکم بر آن بودند (هاجس، ۱۳۶۵: ۲۳-۳۲). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، موج مهاجرت به انگلستان بازخوردی بیگانه‌هراسانه در پی داشت و ثناتر، به‌منزله رسانه، این رویدادها را منعکس کرد.

شکسپیر، یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان عصر خود، این امر را با توجه به وجود کمیته‌های سانسور و ممنوعیت صحبت درباره مذهب و سیاست به ظرافت در نمایشنامه‌هایش به تصویر کشیده است (استوارت، ۱۳۸۴: پراکت، ۱۳۶۶). به عقیده محققان، شکسپیر نژادپرست نبود و تنها بازگوکننده رویدادهای پُر کشمکش و تعصبات دوران الیزابت اول بود.

در پنج نمایشنامه پیش‌گفته، می‌توان عوامل پدیدآورنده بیگانه‌هراسی را ردیابی کرد. در این نمایشنامه‌ها، افرادی بیگانه از اقوامی با اقلیت‌های دینی متفاوت یا دارای رنگ پوست متمایز حضور دارند که تهدیدی علیه موقعیت اجتماعی یا سیاسی یا خطری برای بقای گروه اکثریت (گروه خودی)‌اند. ترس از به قدرت رسیدن مهاجران و فرمانروایان خارجی (گروه غیرخودی) در این نمایشنامه‌ها، بازتاب رویدادهای واقعی در دوران شکسپیر بود.

در *آنتونیوس و کلئوپاترا*، قدرت روم با افسونگری ملکه مصر، کلئوپاترا، به خطر افتاده است. قدرت شرق یا مصر، قدرت غرب یا روم را تحت‌سلطه خود قرار داده است و این تهدید تنها با خودکشی کلئوپاترا، به‌منزله نماد جنسیت و فریب سیاسی، از بین می‌رود.

در *تیتوس آندرینیکوس*، شخصیت‌های آرون، که عربی سیاه‌پوست است، و تامورا^{۲۵}، ملکه گات‌ها^{۲۶}، به‌عنوان دشمنان روم، افرادی توطئه‌گر و کینه‌جو به نمایش درآمده‌اند. آرون از نقشه‌های شوم خود علیه تیتوس و خانواده‌اش پشیمان نیست و در طول نمایشنامه، فردی خونخوار و پست‌تر از شهروندان رومی نشان داده می‌شود. در نهایت، با زنده‌به‌گور شدن وی، این تهدید از بین می‌رود.

براساس تفکرات رایج در دوران شکسپیر، ازدواج سیاه‌پوست با سفیدپوست مذموم شناخته می‌شد که این مورد در نمایشنامه *آتللو* منعکس شده است. بنابراین، ازدواج آتللو و دزدمونا امری غیرطبیعی به حساب می‌آمد که بر پایه

می‌آمدند که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در شخصیت‌های آتللو، کالیبان در *توفان*، شاهزاده مراکش در *تاجر ونیزی* و آرون در *تیتوس آندرینیکوس* مشاهده کرد.

ب) روابط انگلستان با امپراتوری عثمانی و اعراب
دادوستد بین مسلمانان آفریقایی و ترکان عثمانی با انگلستان در دوران الیزابت جایگاه مهمی داشت و از آنجا که هیچ‌یک از این اقوام ساکن بریتانیا نبودند، مسلمانان بیگانگی با هویت خاص محسوب می‌شدند. مسلمانان و ترکان نه جزو اقوام آواره، چون کولی‌های رومانیایی و یهودیان رانده‌شده، بودند و نه مانند سرخ‌پوستان آمریکایی تحت‌کنترل دولت بریتانیا (Matar, 1999: 20-53). از این‌رو، نگاه مردم انگلستان به مسلمانان با ترس و تحسین همراه بود که به‌ترتیب ناشی از پیشینه جنگ‌های صلیبی و قدرت اقتصادی امپراتوری عثمانی بود (تصویر ۲).



تصویر ۲. تصویر نقاشی شده از سفیر مراکش که برای ملاقات با ملکه الیزابت اول با هدف اتحاد مراکش و انگلستان علیه اسپانیا در سال ۱۶۰۰ میلادی وارد لندن شد

مأخذ: (Loomba, 2002: 72)

در روابط بین اعراب و الیزابت اول، اعراب «مُر»^{۲۲} خوانده می‌شدند. اصطلاح مُر در قرون وسطی به نژاد بربر در شمال‌غربی آفریقا اشاره می‌کرد که بعدها در دوران جنگ‌های صلیبی به معنای سیاه‌پوست و کافر و در پرتغال و اسپانیا به معنای بیگانه و غیرمسیحی به کار برده شد (Britannica, 2015). این نگاه ویژه به اعراب در نمایشنامه *آتللو* بازتاب یافته است، به طوری که شخصیت‌های این نمایشنامه همچون «یاگو»^{۲۳} و «باربانسیو»^{۲۴} آتللو را مُر یا مغربی خطاب می‌کنند. این موضوع حاکی از باورهای منفی مردم انگلستان نسبت به اعراب است. برخورد جامعه انگلستان با مسلمانان براساس تفاوت فرهنگی، جغرافیایی و شأن اجتماعی (تاجر، دزد دریایی، سرباز و برده) شکل گرفته است.

خواستار بریدن گوشت از کنار قلب آنتونیو می‌شود. در این میان، پورشیا با ظاهر مردان جوان در دادگاه حاضر می‌شود و آنتونیو را نجات می‌دهد. شایلاک، که متهم به سوء قصد علیه شهروندی ونیزی است، نیمی از اموالش به دست دولت ضبط می‌شود و نیمی دیگر به آنتونیو می‌رسد. آنتونیو به دادگاه می‌گوید اموال ضبط شده را پس از مرگش به دختر شایلاک، جسیکا، می‌بخشد که با لورنزوی مسیحی مخفیانه ازدواج کرده و از دادگاه درخواست می‌کند تا از ضبط نیمی از اموال شایلاک صرف نظر کند، به شرطی که شایلاک به دلیل این بخشش عیسوی شود و تمام اموالش پس از مرگ به دخترش برسد. به نظر می‌رسد در این نمایشنامه، رابطه دین و نژاد با تجارت به عاملی مهم تبدیل شده، به طوری که قدرت اقتصادی دیگر اقوام به عامل ترس از آنها بدل می‌شود.

با توجه به محتوای نمایشنامه تاجر ونیزی، خواستگاران پورشیا (شاهزاده آراگون و شاهزاده مراکشی) افرادی مغرور و ابله ترسیم شده‌اند و دیگر خواستگاران خارجی پورشیا نیز از طرف او مسخره می‌شوند. این خواستگاران بیگانگانی (گروه غیر خودی) از کشورهای رقیب و دشمن‌اند؛ اولی که از اسپانیا- دشمن سرسخت انگلستان- آمده، و دومی که مسلمان است، تهدیدی علیه ثروت و قدرت بلمونت (گروه خودی) یا جامعه پروتستان انگلیس است.

از آنجا که «ازدواج مسیحی با غیرمسیحی در دوره شکسپیر ممنوع بود» (Loomba, 2002: 159)، جسیکا، دختر شایلاک، تنها با عیسوی شدن قادر به وصلت با لورنزو است. در عین حال، به دلیل داشتن ریشه یهودی (گروه غیر خودی) مورد تمسخر لانسلوت^{۲۸} قرار می‌گیرد که عیسوی شدنش او را از دوزخ نمی‌رهاند.

نمود بیگانه‌هراسی در واکنش شخصیت‌های تاجر ونیزی نسبت به حضور اقوام خارجی، دست کم در سه دیالوگ دیده می‌شود: «جسیکا: نه، لورنزو، او با صراحت به من می‌گوید در بهشت برای من امید بخشش نیست، چون من دختر یک یهودی هستم و می‌گوید تو هم عضو خوبی برای کشور نیستی که یهودی‌ها را به عیسویت ارشاد می‌کنی، زیرا باعث افزوده شدن قیمت خوک می‌شوی» (پرده سوم، صحنه پنجم). «جسیکا: ولی شوهرم مرا نجات خواهد داد، او مرا عیسوی کرده است» (پرده سوم، صحنه پنجم). این دیالوگ به نوعی روایتگر خشم ساکنان انگلستان به دلیل ازدست دادن فرصت‌های مختلف از جمله محدود شدن منابع اقتصادی و شغلی به سبب ورود مهاجران و اقلیت‌هاست. «لانسلوت: پس حقیقتاً باید او را سرزنش کرد. به اندازه کافی عیسوی

شهوت بود. از این رو، این ازدواج تهدیدی علیه ارزش‌های اجتماعی جامعه و آغازگر برخورد بیگانه‌هراسانه در شخصیت‌هایی چون یاگو و بارناسیو است.

در توفان، شخصیت کالیبان، برده‌ای شورشی، تهدیدی علیه قدرت سلطه و حاکمیت پروسپرو^{۲۷} تلقی شده است. در جزیره‌ای که دنیای جدیدی برای پروسپرو اروپایی است، شخصیت کالیبان بیگانه توصیف می‌شود؛ مردی بی تمدن و وحشی که همواره علیه پروسپرو کارشکنی می‌کند و از اجرای دستورهایش طفره می‌رود.

در تاجر ونیزی، شخصیت شایلاک تهدیدی علیه اقتصاد و در نهایت امنیت جانی آنتونیو است. در عین حال، وجود شخصیت‌هایی چون شاهزاده مراکشی و شاهزاده آراگون اسپانیایی بار دیگر خطر سلطه بیگانگان بر قدرت اقتصادی و ارزش‌های جامعه را مطرح می‌کند.

شکسپیر مسئله تجارت وابسته به دیگر نژادها و تمرکز بر یهودیان و برخورد با نژادهای مختلف را در نظر می‌گیرد و بر آن‌ها تأکید می‌کند، به طوری که قدرت اقتصادی دیگر اقوام به عامل ترس از آن‌ها تبدیل می‌شود. همچنین، کلیشه‌ها و شایعات منتسب به قوم یهود و دیگر اقوام خارجی واکنش‌های تدافعی را در شخصیت‌های نمایشنامه برمی‌انگیزد.

با توجه به آنچه در بندهای پیشین ذکر شد، می‌توان عوامل شکل‌دهنده بیگانه‌هراسی را در این پنج نمایشنامه شکسپیر ردیابی کرد. در این میان، تنها اثری که به صورت شاخص به بازتاب پدیده بیگانه‌هراسی پرداخته، نمایشنامه تاجر ونیزی است.

۳. تاجر ونیزی و پدیده بیگانه‌هراسی

۱.۳. تحلیلی بر تاجر ونیزی

آنتونیو در تاجر ونیزی برای کمک به دوست خود، بسانیو، برای تهیه مقدمات خواستگاری و عروسی با دختری ثروتمند به نام پورشیا، از یهودی‌ای به نام شایلاک پول قرض می‌کند و متعهد می‌شود در صورت بازنگرداندن پول در موعد مقرر، شایلاک حق دارد از هر قسمتی از بدن آنتونیو که تمایل داشته باشد یک پوند گوشت ببرد. در بلمونت، بسانیو با حل کردن معمای صندوقچه‌ها از سد خواستگاران پورشیا می‌گذرد و با او ازدواج می‌کند. به دنبال غرق شدن کشتی‌های آنتونیو، شایلاک برای طلب خود او را به دادگاه می‌کشاند. بسانیو با شنیدن این خبر خود را به ونیز می‌رساند تا با پرداخت قرض شایلاک، دوست خود را آزاد کند. در دادگاه، شایلاک، که از توهین‌های پیشین آنتونیو کینه به دل دارد،



تصویر ۳. نمایی از فیلم تاجر ونیزی به کارگردانی مایکل رادفورد، ۲۰۰۴

شایلاک نماینده اقتصاد سنتی است و آنتونیو، که کشتی‌هایش به طرابلس^{۳۱} و جزایر هند رفته‌اند، نماد اقتصاد نو و سلطه‌گر دوران الیزابت است و به گفته شایلاک، «ثروت او جنبه نامعلوم و فرضی دارد» (پرده اول، صحنه سوم). پس در این رقابت اقتصادی که بر سرمایه اقلیت تکیه دارد، شایلاک مورد تبعیض قرار می‌گیرد و اقتصاد به عاملی برای تحت‌شعاع قرار دادن قدرت تبدیل می‌شود: «شایلاک: من و معاملات من و ربی را که برای کسب آن زحمت کشیده‌ام، و او نام رباخواری بر آن می‌گذارد، مسخره می‌کند» (پرده اول، صحنه سوم).

اگرچه شایلاک نرخ سود آنتونیو را تهدید تلقی می‌کند، در واقع این شایلاک است که مخالف رویکرد اقتصادی جامعه ونیزی عمل کرده و فرصت تاجری ونیزی را گرفته است: «شایلاک: ... من از او متنفرم، زیرا عیسوی است؛ ولی بیشتر برای اینکه با ساده‌لوحی احمقانه‌ای به رایگان پول قرض می‌دهد و در نتیجه نرخ تنزیل در ونیزی برای ما کاسته می‌شود» (پرده اول، صحنه سوم).

در انتها، با پیروزی پورشیا در دادگاه، آنتونیو خواستار عیسوی شدن شایلاک و انتقال ثروت وی به جسیکای تازه مسیحی شده و همسرش، لورنزو، می‌شود که این امر به نوعی سلطه طلبی قدرت حاکمه مسیحی را بر یهودیت در دوران شکسپیر و نابودی هر گونه تهدید از سوی بیگانگان را نشان می‌دهد: «پورشیا: صبر کن، ای یهودی! قانون ادعای دیگری هم بر ضد تو دارد. در قوانین ونیزی ذکر شده که اگر یک بیگانه به طور مستقیم یا غیرمستقیم دسیسه‌ای برای کشتن یکی از اتباع آن به کار برد، نیمی از دارایی او به دست همان کسی که مورد دسیسه قرار گرفته ضبط می‌شود و نیمی دیگر به خزانه دولت می‌رسد» (پرده چهارم، صحنه اول).

وجود داشت که با یکدیگر زندگی کنند. این عمل ارشاد مردم به عیسویت، قیمت خوک را بالا خواهد برد. اگر بنا باشد همه ما گوشت خوک بخوریم، به زودی نخواهیم توانست یک ورقه نازک گوشت در مقابل پول به دست آوریم تا روی آتش سرخ کنیم» (پرده سوم، صحنه پنجم).

از میان شخصیت‌های نمایشنامه تاجر ونیزی، شایلاک، شخصیت محوری داستان، اوج ترس و بیگانه‌هراسی نسبت به یهودیان را به تصویر کشیده است و با دیالوگ‌های خود از تبعیض جامعه مسیحی نسبت به خود سخن می‌گوید: «شایلاک: ... بارها مرا کافر و سگ درنده خوانده‌اید و به پلاس یهودی من تفانداخته‌اید» (پرده سوم، صحنه اول). به نظر شایلاک، یهودیان همانند مسیحیان دارای چشم و دست و احساسات مشترک‌اند، پس همانند مسیحیان حق انتقام دارند.

۲.۳. شایلاک، تاجر ونیزی و پدیده بیگانه‌هراسی

در تاجر ونیزی، نحوه برخورد با جامعه اقلیت یهودی با نشان دادن هراس از کلیشه‌های منفی درباره دیگری (شایلاک) نمود پیدا می‌کند. شخصیت شایلاک در افکار مخاطبان فردی کینه‌توز، طماع، مکار و بی‌رحم شناخته شده است و شخصیت‌های مسیحی نمایشنامه، او را ابلیس، عفريت، گرگ و سگ می‌خوانند و در بیشتر دیالوگ‌ها یهودی خطابش می‌کنند و به ندرت او را با نام شایلاک می‌خوانند: «آنتونیو: بسانیو! متوجه باش که این عفريت قادر است کتاب مقدس را برای تأیید منظور خود گواه آورد. او مانند شادی متبسم است و سیبی است که درون آن گندیده است؛ نمی‌دانی که دروغ چه ظاهر دلفریبی دارد» (پرده اول، صحنه سوم). «لانسلوت: اگر وجدان را راهنمای خود قراردهم، باید نزد ارباب یهودی خودم بمانم که یک نوع ابلیس است و امیدوارم خداوند مرا از شر او حفظ کند» (پرده دوم، صحنه دوم). یا در جایی دیگر از متن، سالارینو^{۲۹} می‌گوید: «او از بی‌رحم‌ترین سگانی است که تا به حال بشر نزد خود نگاه داشته است» (پرده سوم، صحنه سوم).

با توجه به این کلیشه‌ها، شخصیت شایلاک (گروه غیر خودی) به تهدید تبدیل شده است و در ادامه نمایشنامه، درخواست بریدن یک پوند گوشت از نزدیک قلب آنتونیو از تهدیدی صرف به عملکردی تهاجمی تبدیل می‌شود: «آنتونیو: مشخص است تا فردا یک پوند گوشت در بدنم برای طلبکار خونخوارم باقی نخواهد ماند» (پرده سوم، صحنه سوم؛ تصویر ۳).

۳.۳. انطباق تاجر ونیزی با نظریه تهدید

یکپارچه

بر اساس نموداری که در ادامه می‌آید، چهار تهدید، به شکل گیری تعصب، تبعیض نژادی و در نهایت بیگانه‌هراسی منجر می‌شود. در تهدیدهای واقع‌بینانه، شخصیت شایلاک و خواستگاران پورشیا به ترتیب تهدیدی علیه اقتصاد و قدرت سیاسی جامعه ونیز و بلمونت محسوب می‌شود. شایلاک با ارائه نرخ متفاوت سود سرمایه، تهدیدی واقع‌بینانه و رقیبی برای فعالیت‌های اقتصادی آنتونیو است. بریدن یک پوند گوشت آنتونیو تهدیدی واقع‌بینانه علیه حیات جانی اوست. طبق قانون انتقال ثروت زن در زمان ازدواج، که در دوره شکسپیر مرسوم بود، دو شخصیت بیگانه- یعنی شاهزاده مراکش و آراگون اسپانیایی- تهدیدی علیه انتقال ثروت و اقتصاد بلمونت است. این امر موجب برتری قدرت خارجی و در نهایت تهدیدی سیاسی محسوب می‌شود.

در تهدید نمادین، شایلاک با تهدید به بریدن یک پوند گوشت آنتونیو، به نوعی بازگوکننده ترس‌ها و باورهای مسیحی برخاسته از روایت «مصلوب شدن حضرت مسیح (ع) به دست یهودیان» است (Bible Matthew, 27: 25). با توجه

به ممنوع بودن ازدواج سیاه با سفید و مسیحی با غیرمسیحی در دوران شکسپیر، به نظر می‌رسد حضور شاهزاده مراکش به عنوان مسلمانی سیاه پوست و غیرمسیحی نیز تهدیدی نمادین است. جسیکا، دختر شایلاک، با وجود مسیحی شدن و ازدواج با لورنزو، همچنان جزو جامعه مسیحیان محسوب نمی‌شود و به دلیل ریشه یهودیش از طرف لانسلوت مسخره می‌شود و با بیان این باور که «عیسوی شدن جسیکا او را از دوزخ نمی‌رهاند» (پرده سوم، صحنه پنجم)، جسیکا را تقبیح می‌کند و به او به عنوان بیگانه‌ای نگاه می‌کند که از فرصت‌های اجتماعی و منافع مسیحیان استفاده کرده است. بنابراین، رفتارهای جامعه مسیحی نسبت به جسیکا بازگوکننده دیدگاه بیگانه‌هراسی مبتنی بر اضطراب میان گروهی است.

کلیشه‌های منفی، یکی از چهار تهدید شکل‌دهنده بیگانه‌هراسی در تاجر ونیزی محسوب می‌شود. شخصیت‌های بیگانه یا مهاجر- چون شایلاک، شاهزاده مراکش و آراگون اسپانیایی- هر یک به نوعی دارای کلیشه‌های منفی از جمله حيله‌گر، انتقام‌جو، بی‌رحم، طماع، ابله و مغرور بودن است، و نوعی تهدید علیه تعاملات اجتماعی و تداخل در کارکرد عادی جامعه اروپایی به حساب می‌آید.

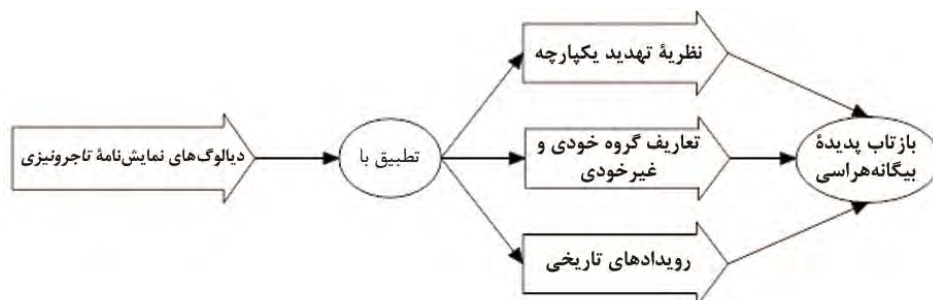


نمودار ۱. رابطه شخصیت‌های نمایشنامه تاجر ونیزی با تهدیدهای چهارگانه نظریه تهدید یکپارچه

نتیجه

است، قابلیت انطباق بر چند اثر شکسپیر از جمله *آتلو*، *توفان*، *تیتوس آندرنیکوس* و *آنتونیوس و کلئوپاترا* و به‌ویژه *تاجر ونیزی* را دارد. در این میان، *تاجر ونیزی* بیشترین تأثیر بیگانه‌هراسی را در آثار شکسپیر بازتاب می‌دهد. از این رو، نمونه مناسبی برای تحلیل از منظر بیگانه‌هراسی است (نمودار ۲).

در مطالعه نمایشنامه‌های شکسپیر، در آثاری که شخصیت‌های غیرانگلیسی نقش دارند، شاهد شکل‌گیری تقابل‌های بیگانه‌هراسانه‌ایم. اصطلاح «بیگانه‌هراسی»، که براساس نظریه «تهدید یکپارچه» والتر جی استفن و کوکی وایت استفن» و تضاد «گروه خودی و غیر خودی» تبیین شده



نمودار ۲. تطبیق تاجر ونیزی با نظریه‌های جامعه‌شناختی و رویدادهای تاریخی

شکسپیر، به‌عنوان درام‌نویس دوره‌ای ویژه در تاریخ، توانسته است پدیده بیگانه‌هراسی را به شیوه خاصی در *تاجر ونیزی* بازتاب دهد. در بررسی این اثر نگرش‌های تاریخی مبتنی بر این پدیده نیز ارزیابی و تحلیل می‌شود. تمثیل حضور بیگانگان در آثار شکسپیر، از جمله *تاجر ونیزی*، دامنه نفوذ خود را تا به امروز نیز حفظ کرده است، به طوری که در تحلیل این نمایشنامه و شخصیت‌هایش می‌توان رویکردهای نوین نگاه بیگانه‌هراسانه را ارزیابی کرد. گفتنی است شکسپیر با انعکاس این رویکرد تدافعی نسبت به بیگانگان، از یک‌سو سعی در انتقاد از رفتارهای نژادپرستانه در جامعه الیزابتی داشت و از سوی دیگر خواستار برابری و عدالت در این گونه جوامع بود.

از منظر شخصیت‌پردازی، بیگانگان محملی برای بروز رفتارهای ناهنجارند. در واقع، بیگانگان در تقابل با افراد خودی متهم به سوءرفتارند و هر گونه اعتراضی از سوی آن‌ها، شیوه‌ای از رفتار تهاجمی ارزیابی می‌شود. شایلاک در *تاجر ونیزی* حيله‌گر، انتقام‌جو، بی‌رحم و طماع است و دخترش، جسیکا، نیز مسخره و سرزنش می‌شود. در این میان، مذهب و اقتصاد، نقش مؤثری در شکل‌گیری این رفتارها دارد. بنابراین، بیگانه‌بودن در موقعیت نمایشی، برخاسته از نگرش‌های اقتصادی و اعتقادی است که گاهی رنگ پوست و مو و دیگر تشابه‌های فیزیکی ابعادش را گسترده‌تر می‌کند و هنگامی که نگرش تهدیدآمیز به بیگانگان افزایش می‌یابد، به نژادپرستی تبدیل می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

12. Realistic Threats.
13. Symbolic Threats.
14. Intergroup Anxiety.
15. Negative Stereotypes.
16. Nationalism.
17. Inquisition:
- سازمان تأسیس شده از سوی کلیسای کاتولیک روم که در جهت تحقیق و تفحص و تنبیه عقاید مخالفان فعالیت می‌کرد.
18. Granada:
- پایتخت آندلس.
19. Reconquista.
20. The other- Alien.
21. Tomas Coryate.
22. Moors.
23. Iago.

1. Shylock.
2. Caliban:
- برده و آلت دست پروسپرو، تخم‌ریز شیطان و جادوگری در زمین و نقطه مقابل آریل. نشان قدرت پروسپرو در سحر و جادو برای تسلط بر عناصر فرودست زمین همچون خاک و آب.
3. The other.
4. *The Merchant of Venice*.
5. *The Tempest*.
6. *Titus Andronicus*.
7. *Antony and Cleopatra*.
8. The Integrated threat theory (ITT).
9. In Group or We Group.
10. Out Group or They Group.
11. Walter G. Stephan & Cookie White Stephan.

- Goose, N & Luu, L (2005), *Immigrants in Tudor and Early Stuart England*, First Edition, Publisher: Sussex Academic Press, London.
- Griffin, E. J (2009), *English Renaissance Drama and the Specter of Spain: Ethno poetics and Empire*, First Edition, Publisher: University of Pennsylvania Press, Philadelphia.
- Holy bible, New Testament, Matthew, 27: 24-25.
- Kermode, L. E (2009), *Aliens and Englishness in Elizabethan Drama*, First Edition, Publisher: Cambridge University Press, New York.
- Loomba, A (2002), *Shakespeare, Race, and Colonialism (Oxford Shakespeare Topics)*, Second Edition, Publisher: Oxford University Press, USA.
- Matar, N (1999), *Turks, Moors, and Englishmen in the Age of Discovery*, First Edition, Publisher: Columbia University Press, New York.
- Merriam-Webster, I (2013), *Webster's all-in-one dictionary & thesaurus*, Second Edition, Publisher: Federal Street Press, USA.
- Riek, B.M & Mania, E.W & Gaertner, S.L (2006), *Intergroup threat and out-group attitudes: A meta-analytic review*, Personality and Social Psychology Review, Volume 10, 336-353.
- Sokol, B. J (2010), *Shakespeare and tolerance*, First Edition, Publisher: Cambridge University Press, New York.
- Shapiro, J (1997), *Shakespeare and the Jews*, First Edition, Publisher: Columbia University Press, New York.
- Smelser, N. J & Baltes, P. B (2001), *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Volume 12, Publisher: Elsevier, New York.
- Stephan, W. G & Stephan, C. W (1996), *Reducing Prejudice and Discrimination (Integrated Threat Theory of Prejudice Intergroup relations)*, Publisher: The Claremont Symposium on applied social psychology, USA.
- www.Britannica.com
- www.collinsdictionary.com
- www.etymonline.com
- www.unesco.org
- https://wikispaces.psu.edu/pages/viewpage.action?pageId=41095610
- http://en.wikipedia.org/wiki/Responsibility_for_the_death_of_Jesus#Christianity

24. Barbantio.
25. Tamora.
26. Goths.
27. Prospero:
- دوک میلان؛ مردی دانشور، خردمند، آشنا با نجوم و فلسفه، پرهیزگار و بعدها جادوگری بس نیرومند.
28. Lancelot.
29. Salariano.
30. Michael Radford.
31. Tripoli.

منابع

- استوارت، فیلیپا (۱۳۸۴)، *زندگی‌نامه ویلیام شکسپیر*، ترجمه خسرو شایسته، چاپ پنجم، علمی و فرهنگی، تهران.
- اسدی امجد، فاضل و همکاران (۱۳۹۰)، *اسلام و سیاست در ادبیات نمایشی دوران الیزابت: نمایش‌نامه‌های تیمور لنگ و آتلو، فصل‌نامه پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره ۱۶، شماره ۶۲: ۲۲-۵.
- براکت، اسکار گروس (۱۳۶۶)، *تاریخ تئاتر جهان*، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور، جلد اول، چاپ اول، نقره، تهران.
- بنیادی، علیرضا (۱۳۸۲)، *تأثیر متقابل درام و تاریخ در دوران الیزابت با توجه به نمایش‌نامه‌های تاریخی شکسپیر*، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
- رفیعی، مریم (۱۳۹۰)، *شکسپیر در هند و آفریقای جنوبی: استعمارگر در برابر استعمارشده*، دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، تهران.
- شکسپیر، ویلیام (۱۳۹۰)، *تاجر ونیزی*، ترجمه علاء‌الدین بازارگادی، چاپ ششم، علمی و فرهنگی، تهران.
- صورتگر، لطفعلی (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات انگلیس*، چاپ اول، دانشگاه تهران، تهران.
- مرادی، جواد (۱۳۸۶)، *شکسپیر و سیاست*، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
- هاجس، سی والتر (۱۳۶۵)، *تماشاخانه شکسپیر*، ترجمه شهلا بختیار، چاپ اول، جهاد دانشگاهی، تهران.
- Boehnke, Klaude (2001), *Declaration of the World Conference in International Migration, Racism, Discrimination and Xenophobia*, Publishers: ILO, IOM, OHCHR, UNHCR, New York.
- Dell Publishing Company (2012), *The American Heritage dictionary*, Fifth Edition, Publisher: Dell, New York.